ادامه از صفحه اول

سرنوشت نیکسون و کلینتون برای ترامپ؟

دوم، برای صرفه‌جویی در دستمزد و افزایش سود در تولید - به‌ویژه در کشاورزی - با کمک مستعمره‌چیان اروپایی مردم بی‌گناه آفریقا را در مقیاس میلیونی شکار کرده، با کشتی به آمریکا آورده و به صورت برده به کار گماشتند. آفریقایی‌تباران تا ۲۰۰ سال از همه حقوق اجتماعی محروم بودند. سفیدپوستان اروپایی‌تبار نه تنها به صورت ارباب برده‌دار با سیاهان رفتار می‌کردند، بلکه هر آفریقایی‌تباری را که اعتراض می‌کرد به وسیله جوخه‌های آدم‌کش حرفه‌ای موسوم به «کو کلاکس کلان» به شدیدترین وجه تکه‌تکه می‌کردند. از دهه ۱۹۶۰ به بعد است که آفریقایی‌تبارها از حقوق اجتماعی برخوردار شدند. از آن پس بود که حزب دموکرات با چرخشی آرام به سمت دموکراسی و آزادی‌خواهی گرایش یافت. کو کلاکس کلان‌ها امروز همه عضو حزب جمهوری‌خواه هستند. بیشتر جمهوری‌خواهان در ایالات جنوبی متمرکزند. بسیاری از آمریکاییان سفیدپوست ساکن ایالات جنوبی نژادپرست هستند. عضویت در دو حزب مورد اشاره هم به این معنی نیست که سیاه در برابر سفید قرار گرفته باشد. اگر یک خط افقی روی کاغذ رسم کنید و وسط آن را با یک نقطه مشخص کنید، افراطی‌ترین چپ‌گرایان در انتهای چپ این خط قرار می‌گیرند و افراطی‌ترین راست‌گرایان در انتهای راست خط. از دو سو که به نقطه وسط خط حرکت کنید، خواهید دید که متعادل‌ترین اعضای دو حزب به لحاظ باورها و کنش‌ها به هم شباهت دارند. ترامپ، بولتون و پمپئو در منتهی‌الیه دست راست خط محافظه‌کاران قرار دارند. هواداران ترامپ - از جمله اعضای کو کلاکس کلان و بنیاد «هریتیج» - نیز در انتهای این خط قرار دارند. آنچه در انتخابات کنگره آمریکا و ایالات سرنوشت‌ساز است، آرای رأی‌دهندگانی نیست که در منتهی‌الیه دست چپ و راست قرار گرفته‌اند، بلکه آرای مردم مرددی است که در بخش‌های میانی خط قرار دارند. یعنی کسانی که باورهایشان در طول زمان و با مشاهده و تحلیل و تجزیه رویدادها تغییر می‌کند. این تغییر بین سه تا ۱۰ درصد آراست که میان ۴۷ تا ۶۰ درصد در نوسان است. نکته مثبتی که در جامعه آمریکا وجود دارد، آزادی بیان است. روزنامه‌های پرتیراژ آمریکا مانند نیویورک‌تایمز، واشنگتن‌پست و هرالدتریبیون کوچک‌ترین حرکات و رفتار ترامپ را زیر نظر دارند و با تجزیه و تحلیل‌هایی که منتشر می‌کنند، روی نظر رأی‌دهندگانی که در منطقه میانی خط هستند تأثیر می‌گذارند. رفتار ترامپ و اطرافیان او حتی سناتورها و نمایندگان جمهوری‌خواه را چنان نگران کرده که از ترس ازدست‌دادن اکثریت آرا در برابر رفتار غیرمتعارف رئیس‌جمهور محبوب خودشان سکوت کرده‌اند. زیرا نگران‌اند با بازکردن دهان و انتقاد از رفتار، کردار و گفتار ترامپ، با اختلاف یکی، دو درصد مجموع آرا، انتخابات را به رقیب خود یعنی حزب دموکرات ببازند. تازه باختن انتخابات گام اول است؛ گام دوم استیضاح ترامپ خواهد بود. زیرا دلایل روزافزون برای این استیضاح وجود دارد. با استیضاح و برکناری ترامپ، حزب جمهوری‌خواه به احتمال قوی در چندین دوره انتخاباتی بعدی نیز شکست خواهد خورد. در آمریکا هم مانند بسیاری از کشورهای دیگر، انتخاب الزاما میان خوب و بد صورت نمی‌گیرد. گاهی انتخاب میان کاندیداهای بد و بدتر است. هیلاری کلینتون درصد زیادی از آرای دموکرات‌ها را به دست آورد، اما این به مفهوم ایده‌آل‌بودن او برای پست ریاست‌جمهوری نبود. او هم در ساخت و پاخت غوغا می‌کرد. انتخاب همسر یک رئیس‌جمهور پیشین به مفهوم ایجاد الیگارشی بود و ریاست‌جمهوری را خانوادگی می‌کرد که بیشتر به یک رژیم پادشاهی شباهت دارد تا جمهوری؛ روشی که در برخی از کشورهای خاورمیانه و آسیای میانه مرسوم است. این روش با مفهوم دموکراسی، شایسته‌سالاری و بازبودن پست‌های مدیریتی کشور برای عموم منافات دارد. نکته پایانی این یادداشت این است که اگر دموکرات‌ها در انتخابات برنده شوند و ترامپ استیضاح شود، الزاما کنگره آمریکا او را برکنار نخواهد کرد. بلکه رئیس‌جمهور بعدی - که معاون کنونی اوست، با استفاده از اختیارات خود او را خواهد بخشید مشروط بر اینکه ترامپ داوطلبانه از سیاست خارج شود؛ کاری که با نیکسون و کلینتون کردند.

حق تحصیل برای همه

چون مجازات تبعی مدنظر قانون‌گذار نباید بیش از دو سال باشد، پیش‌بینی محرومیت دائم از تحصیل مرتکبان جرائم مستثناشده در لایحه اصلاحیه یادشده، خلاف اصول قانون مجازات اسلامی و حقوق طبیعی انسان است. افزون بر این، حتی درباره مرتکبان جرائم مستثناشده در اصلاحیه پس از محاکمه، اعمال موارد تشدید و تخفیف می‌شود و محروم‌کردن آنان از تحصیل مخالف روح حفظ حقوق شهروندی است. رویکرد این افراد پس از تحمل کیفر به تحصیل در مقاطع مختلف، نشانی از دورشدن آنان از ارتکاب جرم و متنبه‌شدن است. بنابراین اعمال این استثناها برای محکومان جرائم فوق، خلاف مساعدت و ارفاقی است که در قانون برای محکومان متنبه‌شده در نظر گرفته می‌شود.

گزارش میدانی «شرق» از آنچه درباره سلطان سکه در بازار تهران می‌گویند

ملاعمر در بازار سکه

عکس: فارس

محمد مساعد: هفته گذشته، جلسه اول دادگاه مردی که بیش از ۳۰ سال در بازار تهران به دادوستد ارز و سکه و طلا مشغول بود، به اتهام افساد فی‌الارض از طریق اخلال در نظام اقتصادی برگزار شد؛ مردی که سلطان سکه لقب گرفته بود و بازاریان پیش از آنکه لقب سلطان به او بدهند «مُلا» لقبش داده بودند. شرح مفصل آنچه وحید مظلومین در سال‌های گذشته در بازار ایران انجام داده بود در کیفرخواست او نوشته و منتشر شده است، اما یافتن سرنخ‌های تازه‌ای از او و آنچه بازاریان درباره‌اش می‌گویند مرا به خیابان ونک کشاند؛ جایی که او در سال‌های اخیر و پس از بازنشستگی در بازار ارز و ورود به بازار طلا و جواهر، امپراتوری اقتصادی‌اش را مدیریت می‌کرد.

محبوب مرموز

در خیابان ونک پاساژ کوچکی وجود دارد که کاسبانش مظلومین را به شکل دیگری می‌شناسند. او اینجا آن‌قدر محبوب است که هر سؤالی درباره او، با تأسفی آشکار در چهره پاسخ‌دهندگان همراه است و بسیاری از مغازه‌داران این راسته، هنوز هم هنگام صحبت درباره او پیشوند «آقا» را به نام او اضافه می‌کنند. دفتر مظلومین در این خیابان، جایی بود که او دستورات سلطنتی‌اش در بازار طلا و سکه سال‌های اخیر را از آن صادر می‌کرد؛ جایی که به گفته برخی از بازاریان، تصمیمات کلان درباره بازار سکه در آن اتخاذ می‌شد و آن‌طور که یکی از بازاریان می‌گوید «گوش بازار در قدرت» بود. وقتی از یکی از مغازه‌داران درباره مظلومین می‌پرسم، سریعا با خطاب قراردادن او با عنوان «آقا وحید» تلاش می‌کند به من یادآوری کند که حد خودم را بدانم و در ادامه گفت‌وگو از بی‌احترامی به او، حتی اگر در حد ذکر نامش بدون احترام باشد خودداری کنم. او درباره مظلومین می‌گوید: «آقاوحید مَرد بود. باعزت و احترام. گره‌گشا و مسلمون. ما جز خوبی ازش ندیدیم». این روایت مشترک بسیاری از مغازه‌داران این خیابان از مردی است که امروز متهم به اخلال در نظام اقتصادی کشور در سطح افساد فی‌الارض است. یکی از مغازه‌داران درباره او می‌گوید: «دستش به خیر بود. جهیزیه می‌داد، قسط می‌داد، قرض می‌داد، هیچ‌کس دست‌خالی از پیشش برنمی‌گشت. اگر می‌فهمید که کاسبی یا از کاروبارت شناخت داشت، کمک‌هایی بهت می‌کرد که پدر در حق پسرش نمی‌کند. در حق خیلی از این کسبه موقع سختی‌ها پدری کرده. می‌توانید بروید بپرسید». از او می‌پرسم که آیا می‌داند اتهام مظلومین چیست؟ پاسخش شبیه به پاسخ بسیاری از کسبه است. می‌گوید: «تهمته. می‌خوان بسوزونش. خودت که مثلا خبرنگار هستی باید بهتر بشناسی اینهارو». یک کاسب دیگر در پاسخ به همین سؤال می‌گوید: «آقا نابغه بود. نانِ نبوغش را می‌خورد. تازه‌به‌دوران‌رسیده که نبود. ۴۰ سال کاسب بود. چند سال قبل هم آمدند و او را بردند. چندوقت خبری از او نبود. بعد هم برگشت سر کارش. ان‌شاءالله این‌بار هم همین‌طوری باشد. اصلا این وصله‌ها به آقا نمی‌چسبد». بااین‌حال یک مغازه‌دار جوان نظر کاملا متفاوتی دارد. او می‌گوید: «بالاخره تا کسی کاری نکند که این اتفاق‌ها برایش نمی‌افتد. پشتش گرم بود. مثل پادشاه می‌آمد و می‌رفت. موقعی که من اینجا کارم را شروع کردم، دوره‌ای بود که دستگیر شده بود. بعد که برگشت هم مشخص بود که زیاد برایش مهم نیست چه اتفاقی افتاده. نصف بازار سکه و طلا دست همین یک نفر بود. می‌توانید بروید سبزه‌میدان و آمارش را دربیاورید که چطور سر هر کسی را که زیر بار حرف‌هایش نمی‌رفت به سنگ می‌زند. یکی از فامیل‌های من را بیچاره کرد. حالا هم باید تاوانش را بدهد». از او درباره روز دستگیری مظلومین می‌پرسم. می‌گوید در آن روز سر کار نبوده، اما می‌توانم از مغازه کناری دراین‌باره سؤال کنم. مغازه‌دار بعدی آن را کاملا به یاد می‌آورد. می‌گوید: «نشمردم چند نفر بودند، اما خیلی زیاد بودند. همگی لباس شخصی پوشیده بودند. آمدند و در پاساژ را بستند. بعد پخش شدند توی پاساژ. رفتن توی جواهری و مدتی بعد هم سلطان را با خودشان بردند». می‌پرسم آیا او مقاومتی نشان داد؟ حرف خاصی نزد؟ پاسخ می‌دهد «نه، کلا آدم آرامی بود. هیچ‌وقت ندیدم عصبانی بشود. آن روز هم با آرامش رفت. پسرش کمی بی‌تابی می‌کرد، اما خودش چیزی نگفت». درباره پسرش که حالا به گفته دادستان تهران متواری است می‌پرسم. می‌گوید: «محمدرضا پسر خوبی بود. استعدادش به پدرش رفته بود، ولی فراری نبود. آن روز که پدرش را بردند همین‌جا بود. اگر فراری بود که خب او را هم می‌توانستند همین‌جا بگیرند و ببرند. بعدش هم همین‌جا بود. روزی هم که آمدند اینجا و در را جوش دادند هم همین‌جا بود. اینها همش تهمت است». علت دادن لقب «ملا» به مظلومین را می‌پرسم. می‌گوید: «به سن من و شما نمی‌رسد. باید از قدیمی‌ها بپرسید، شاید بدانند». هیچ‌کس در اینجا نمی‌داند لقب ملا از کجا آمده. یکی از مغازه‌داران می‌گوید: «اصلا این سؤال بی‌معنی است. شما خبرنگارها فقط می‌خواهید حاشیه درست کنید». یکی از مغازه‌داران اما پیشنهاد بهتری دارد. او می‌گوید: «وقتی او به اینجا آمد این لقب را داشت. برو سبزه‌میدان شاید آنها بدانند».

ملاعمر در بازار

در سبزه‌میدان روایت‌ها از مظلومین متفاوت‌تر است. برخی او را نمی‌شناسند و آنها هم که می‌شناسند به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند؛ آنها که از او برائت می‌جویند و او را اخلالگر می‌دانند و آنها که از او به نیکی یاد می‌کنند و همان روایت ونک‌نشینان را از خوبی‌های او تکرار می‌کنند. آنها که او را اخلالگر می‌دانند اغلب به روحیه سلطه‌گرش در بازار اشاره می‌کنند.

یکی از آنها می‌گوید: «قبلا که اینجا بود، نفس بازار دستش بود. بعد از دستگیری آخرش کلا رفت سمت طلا. پسرش کارهایی می‌کرد؛ اما خودش فاصله گرفته بود. کلا سعی همه این بود که جلوی راهش نباشند؛ چون له می‌کرد و رد می‌شد».

می‌پرسم منظور از له‌کردن چیست؟ می‌گوید: «اگر تصمیم می‌گرفت که حذفت کند، حذفت می‌کرد. اینجا توی بازار قاعده و قانون حاکم است. نه آن قاعده‌هایی که توی کتاب‌های شما نوشته‌اند و می‌نویسید. اینجا حساب و کتاب دارد. باید حواست باشد که جلوی دست و پای بزرگ‌ترها نباشی». او توضیح بیشتری دراین‌باره نمی‌دهد و جزء کسانی است که نمی‌داند لقب ملا از کجا آمده. او می‌گوید: «نمی‌دانم. سنم نمی‌رسد. از وقتی که یادم هست، لقبش همین بوده. باید سراغ بازاری‌های قدیمی بروی». بازاری‌های باسابقه یا حوصله جواب‌دادن ندارند یا اینکه خودشان را به ندانستن می‌زنند. در مقابل درِ یکی از مغازه‌های طلافروشی وقتی از صاحب مغازه دراین‌باره سؤال می‌کنم، یکی از مردانی که مشغول گفت‌وگو با اوست، لبخندی می‌زند و می‌پرسد: «چه اهمیتی دارد که چرا این لقب را گرفته؟» می‌گویم همین‌طوری، از سر کنجکاوی. می‌گوید: «کنجکاوی زیاد خوب نیست». به نظر می‌رسد که چیزهایی می‌داند و بعد از آنکه چند دقیقه‌ای مثل طعمه‌ای بین سؤالات و جواب‌ها و خنده‌هایش دست‌وپا می‌زنم، روایتی از لقب مظلومین می‌دهد که بسیار عجیب است. او می‌گوید: سال‌ها قبل او اینجا دلالی و صرافی می‌کرد. ۱۰ سالی بود که کاسبی می‌کرد و همه می‌دانستند که هم زرنگ است، هم خوب بو می‌کشد؛ اما آن سال‌ها اتفاقی افتاد که دیگر بوکشیدن ساده نبود و شبیه معجزه بود. یادم هست که آخر تابستان بود که چند معامله بزرگ کرد. معامله‌های بزرگ چیز عجیبی نیست؛ اما ما که همسایه‌اش بودیم، تعجب می‌کردیم. حتی شنیدیم که طلا و سکه هم خریده». میان حرفش می‌پرسم «کجایش عجیب بود؟» می‌گوید: «خب ما یاد گرفته بودیم که او معمولا اشتباه نمی‌کند و برای همین حواسمان بود که پشت سرش راه برویم. اگر کسی جلو می‌افتاد، ممکن بود زمین بخورد؛ اما اگر پشت سرش راه می‌رفتی، ضرر نمی‌کردی. برای همین همیشه حواسمان به او بود و انصافا خودش هم همیشه راهنمای خوبی بود و حق پدری به گردن خیلی‌ها دارد. الان در همین سبزه‌میدان خیلی‌ها کار و کاسبی‌شان را مدیون کمک‌های او در سال‌های قدیم هستند». حرفش را قطع می‌کنم و می‌گویم داشتی درباره تابستان حرف می‌زدی. چه سالی بود؟ می‌گوید: «سال ۸۰. ما هنوز برایمان سؤال بود که علت این خریدهایش چیست که فردا یا پس‌فردای آن، از ظهر گذشته بود و در مغازه‌مان نشسته بودیم که دیدیم تلویزیون یک برج خیلی بزرگ را نشان می‌دهد که دود از پنجره‌هایش بلند شده. صدا را زیاد کردیم که ببینیم کجا آتش گرفته که یک هواپیما آمد و خورد وسط برج. همه شوکه شده بودیم. به آمریکا حمله شده بود. حتما می‌دانی دیگر؟ ۱۱ سپتامبر را شنیده‌ای حتما؟» با تکان‌دادن سر تأیید می‌کنم. ادامه می‌دهد «بازار جهان تکان خورد. اینجا هم. چند نفر پس افتادند. یک نفر اما بُرده بود. خوب هم بُرده بود. حتما می‌دانی چه کسی را می‌گویم. دوستانش به شوخی می‌گفتند لعنتی، تو خود مُلاعمر هستی که دستور حمله را داده‌ای و حالا داری کاسبی‌اش را می‌کنی. از آن روز لقب ملا را روی او گذاشتند. الان شما می‌نویسید سلطان؛ اما او ملا بود. ملاعمر تهران». و قاه‌قاه می‌خندد. می‌گویم «یعنی او قبلا از حملات ۱۱ سپتامبر خبر داشت؟!» می‌گوید: «نمی‌دانم. چرا از خودش نمی‌پرسی؟ شاید بن‌لادن هم بداند». و دوباره قاه‌قاه می‌خندد. ادامه سؤالاتم هم با همین شوخی‌ها همراه است. نمی‌توانم بفهمم که چقدر از روایتش درباره معاملات مظلومین پیش از ۱۱ سپتامبر حقیقت دارد؛ اما روایت او بیشتر از حدی که بتواند ساخته ذهن مغازه‌داری برای شوخی‌کردن باشد، واقعی به نظر می‌رسد. اینکه معاملات مظلومین در آن سال‌ها اتفاق افتاده یا او از قدرت پیشگویی برخوردار بوده یا از رانت اطلاعاتی خاصی بهره می‌برده، نیز هنوز در این جای تاریخ که ما ایستاده‌ایم، سنجیدنی نیست. بااین‌حال این حقیقت که مظلومین بارها و بارها در طول این سال‌ها به کمک اطلاعات دست‌اولش از حلقه‌های تصمیم‌گیری، جلسات تصمیم‌سازی اقتصادی و پیش‌نویس بخش‌نامه‌های هنوز ابلاغ‌نشده، از بازیگران دیگر بازار چند قدم جلوتر بوده، انکارناپذیر است.

روابطی که به قول نماینده دادستان در دادگاه اول مظلومین، به او کمک می‌کرده تا برای کسب سود بیشتر آن‌طور که دوست دارد، مهره‌هایش را در بازار حرکت دهد و از آب گل‌آلود ماهی بگیرد.

ادامه در صفحه ۵

آیا ایران به دنبال دریافت خسارت از هواپیماساز فرانسوی- ایتالیایی است؟

شکایت ایران از شرکت هواپیماسازی ATR

شرق: با انعقاد قرارداد خرید ۲۰ فروند هواپیما به ارزش بیش از ۴۰۰ میلیون دلار از هواپیماساز فرانسوی- ایتالیایی ای‌تی‌آر، گمان می‌رفت در شرایطی که تفاهم‌نامه‌ها با دو غول هواپیماساز فرانسوی ایرباس و آمریکایی بویینگ به در بسته خورد، تا حدودی ناوگان هوایی ایران را نو کند؛ اما با پاپس‌کشیدن این شرکت فرانسوی- ایتالیایی و اعلام فروش هشت فروند باقی‌مانده‌ای که ثبت سفارش از سوی ایران شده بود، ایران خود را محق می‌داند که از این شرکت شکایت کند. هرچند شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) طرف قرارداد با شرکت ای‌تی‌آر است؛ اما محمدرضا رضایی‌کوچی، رئیس کمیسیون عمران مجلس، در گفت‌وگو با یک رسانه، از شکایت ایران از شرکت فرانسوی- ایتالیایی ای‌تی‌آر خبر داد. براساس گفته‌های کارشناسان، اگر در مفاد قرارداد، بی‌تعهدی را محلی برای شکایت و مرجعی نیز برای رسیدگی به آن در نظر گرفته باشند، این امکان برای ایران وجود دارد که طرح شکایت کند. بااین‌حال همین کارشناسان هشدار می‌دهند که ایران باید دقت کافی در این زمینه داشته باشد؛ زیرا برای خدمات پس از فروش هواپیماهای خریداری‌شده از ای‌تی‌آر درهرحال به این شرکت نیاز داریم و باید اقدام به این عمل را سبک‌سنگین کنیم.

شکایت از ای‌تی‌آر

رئیس کمیسیون عمران مجلس در گفت‌وگو با خانه ملت، در واکنش به اقدام شرکت فرانسوی- ایتالیایی ای‌تی‌آر مبنی بر تحویل‌ندادن هواپیما به ایران به دلیل اجرای تحریم‌ها، گفت: براساس قرارداد قرار بود که شرکت ای‌تی‌آر ۲۰ فروند هواپیمای سبک و متوسط را به ایران تحویل دهد. حال طبق گفته مسئولان این شرکت در مدت یک سال اخیر حدود ۱۲ فروند هواپیما به ایران داده شد.

رضایی‌کوچی ادامه داد: حال با اجرای تحریم‌های ظالمانه آمریکا علیه ایران، شرکت ای‌تی‌آر اعلام کرده نمی‌تواند به تعهدات خود به صورت کامل عمل کند که این یعنی هشت فروند از هواپیماهای یادشده به ایران تحویل داده نمی‌شود.

او با انتقاد از رویکرد شرکت ای‌تی‌آر در تحویل‌ندادن هواپیما و اجرانکردن تعهداتش، تصریح کرد: شرکت در هر شرایطی ملزم به اجرای قراردادش است و نمی‌توانند به خاطر برخی مسائل، از اجرای تعهدات‌شان کنار بکشند؛ زیرا شرکت ای‌تی‌آر با توجه به اقدامات آمریکا باید پیش‌بینی این مسئله را می‌کرد.

رضایی‌کوچی ادامه داد: به طور حتم شرکت فرانسوی- ایتالیایی ای‌تی‌آر نباید زیر فشار سیاسی آمریکایی‌ها تسلیم شود. حال رویکرد کنونی آنها نشان می‌دهد که آنها هیچ اراده‌ای از خود برای تحقق تعهدات‌شان ندارند. این نماینده مردم در مجلس دهم گفت: از طرف دیگر ما باید قرارداد خود را به گونه‌ای با ای‌تی‌آر منعقد می‌کردیم که شرکت یادشده نتواند از عمل به تعهداتش فرار کند.

او با اعلام اینکه ایران قطعا از شرکت ای‌تی‌آر به مجامع بین‌المللی شکایت خواهد کرد، افزود: این شرکت یا باید به تعهدات باقی‌مانده خود عمل کرده یا اینکه باید به کشور خسارت پرداخت کند.

رئیس کمیسیون عمران مجلس از حضور عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی، در نشست آتی این کمیسیون خبر داد و گفت: رویکرد و اقدامات جدید شرکت ای‌تی‌آر با حضور مسئولان مربوطه بررسی خواهد شد.

از شکایت بی‌اطلاعم

غلامرضا سلامی، مشاور وزیر راه و شهرسازی، در گفت‌وگو با «شرق» با اظهار بی‌اطلاعی از شکایت ایران از ای‌تی‌آر می‌گوید: شاید آقار رضایی‌کوچی بیش از من در جریان شکایت از این شرکت هواپیمایی باشد.

سلامی در ادامه می‌افزاید: ایران پیش‌تر از آمریکا در دادگاه لاهه شکایت کرد که هواپیمایی نیز بخشی از آن است؛ اما ازآنجایی‌که آقای رضایی‌کوچی به‌تازگی با خانم شرف‌بافی، مدیرعامل ایران‌ایر، ملاقاتی داشته، شاید موضوع شکایت از ای‌تی‌آر آنجا طرح شده باشد.

بااین‌حال مشاور وزیر راه و شهرسازی می‌گوید ای‌تی‌آر در تلاش بود که مجوز تحویل باقی هواپیماهای سفارش ایران را از آمریکا بگیرد و حتی آخرین هواپیمایی که تحویل ایران داده بودند، همین یک ماه گذشته بود؛ بنابراین فکر نمی‌کنم شکایت از این شرکت هواپیمایی آن هم با این سرعت چندان جایز باشد؛ زیرا تاکنون به تعهدات خود عمل کرده است.

ایران به خدمات پس از فروش ای‌تی‌آر دقت کند

آرمان بیات، پژوهشگر صنعت هوانوردی، دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: اگر در مفاد قرارداد ایران و ای‌تی‌آر عدم تعهد مشخص شده باشد و آنها نیز پذیرفته باشند، شرکت هواپیمایی ایران‌ایر و نه دولت، امکان شکایت دارد. ناگفته نماند که در قرارداد باید مرجع رسیدگی به شکایت دو طرف نیز مشخص شده باشد.

بیات در ادامه می‌افزاید: ایران‌ایر به‌عنوان یک شرکت هواپیمایی تجاری که عضو یاتا و ایکائو است و شرکت هواپیمایی کشوری نیز ناظر به عملکرد اوست، می‌تواند از هر دو مسیر حقوقی هوایی (ایکائو) و مراجع حقوقی بین‌المللی اقدام کند، البته این دو بسته به آن است که در قرارداد مشخص شده باشد که این قرارداد تابع کدام مرجع حقوقی است.

پژوهشگر صنعت هوانوردی در ادامه در پاسخ به این پرسش که آیا امکان شکایت از ایرباس و بویینگ نیز وجود دارد، می‌گوید: مذاکرات ایران با ایرباس و بویینگ هرگز به قرارداد منتهی نشد و حتی هواپیماهای خریداری‌شده از هواپیمایی، ساخته شده بودند و ثبت سفارش برای ایران نبودند؛ اما خرید ۲۰ فروند هواپیمای ای‌تی‌آر قرارداد قطعی شده بود.

به گفته بیات، اگر ایران در این زمینه اقدام جدی کند، فرصت‌های زیادی برای کشور به دست می‌آید؛ زیرا بخشی از منافع کشور از این راه تأمین می‌شود؛ اما ایران باید به طور جدی دقت کند که مسئله خدمات پس از فروش این شرکت هواپیمایی از شکایت متأثر نشود.

خبر

زنگنه: تصمیمی برای دونرخی‌شدن بنزین گرفته نشده است

● وزیر نفت با بیان اینکه هنوز تصمیمی برای افزایش و یا دونرخی‌شدن بنزین اخذ نشده است، گفت: بنزین به میزان کافی وجود دارد و مشکلی نیست. به گزارش ایرنا، بیژن زنگنه در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران، درباره کمبود بنزین سوپر اضافه کرد: بنزین به میزان کافی وجود دارد، امکان دارد که یک جایگاهی بنزین سوپر کافی نداشته است. وزیر نفت درباره قاچاق سوخت نیز تصریح کرد که حجم قاچاق زیاد شده است. زنگنه درباره سرمایه‌گذاری در میدان‌های نفتی الوند و البرز نیز گفت: توافق ما با جمهوری‌آذربایجان درباره میدان‌های یادشده در اواخر سال گذشته انجام شده و قرار است منافع آن پس از بهره‌برداری به صورت برابر تقسیم شود. وی درباره عرضه محصولات پتروشیمی در بورس نیز گفت: آنچه اکنون در بورس رخ داده، ارتباطی به پتروشیمی‌ها ندارد؛ مسائل مربوط به تنظیم بازار است که باید برای آن تصمیم‌گیری شود.

سپرده‌های کمتر از یک میلیارد تومان تعیین‌تکلیف نشده‌اند

● نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس گفت: مقرر شده بود که سپرده‌های تا سقف یک میلیارد تومان تعیین‌تکلیف شوند، اما عملا تاکنون اتفاق خاصی صورت نگرفته است. علی وقف‌چی در گفت‌وگو با خانه ملت، درباره جذب سرمایه‌های مردم از سوی بانک‌ها، اظهار کرد: بزرگ‌ترین سرمایه هر ملتی سرمایه اجتماعی آن است، اما متأسفانه اعتماد مردم نسبت به بزرگ‌ترین مجموعه مالی کشور سلب شده و امروز یکی از بزرگ‌ترین اهدافی که باید بانک مرکزی دنبال کند، برگرداندن اعتماد عمومی جامعه به ویژه سپرده‌گذاران به بانک‌ها و مؤسسات مالی است. نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه بزرگ‌ترین سرمایه بانک مرکزی، مؤسسات مالی و بانک‌ها مشتریان آنها هستند، گفت: تا زمانی که مسئولان اقتصادی و مالی کشور رویکرد گذشته خود را تغییر ندهند و تا ریال آخر مطالبات سپرده‌گذارانی را که با مشکل مواجه هستند را براساس قانون پرداخت نکنند، امکان اینکه مردم سرمایه‌گذاری و برون‌رفت کشور از وضع موجود کمک کنند، وجود ندارد.

انبارهای مملو از مواد پتروشیمی متعلق به کیست؟

● سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس گفت: هم‌اکنون که محصولات پتروشیمی در بورس ارائه می‌شود شائبه زدوبند در فروش وجود دارد، بنابراین اگر محصولات پتروشیمی خارج از بورس ارائه شود، مشخص نیست چه وضعیتی رخ می‌دهد. اسدالله قره‌خانی در گفت‌وگو با خانه ملت، با اشاره به گمانه‌زنی‌ها درباره خروج محصولات پتروشیمی از بورس، گفت: در شرایطی که هم‌اکنون محصولات پتروشیمی در بورس ارائه می‌شود شائبه زدوبند در فروش محصولات پتروشیمی وجود دارد، بنابراین اگر محصولات پتروشیمی خارج از بورس ارائه شود، مشخص نیست چه وضعیتی رخ می‌دهد. سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی افزود: اگر می‌خواهند مشخص شود که محصولات پتروشیمی به دست مصرف‌کننده حقیقی می‌رسد یا خیر، باید مکانیسمی برای نظارت بر فروش محصولات تعیین شود. وی با بیان اینکه درحال‌حاضر انبارهای متعددی در برخی مکان‌ها کشف می‌شود که این انبارها مملو از مواد اولیه پتروشیمی‌هاست، ادامه داد: کشف این انبارها نشان می‌دهد که در بورس اتفاقاتی رخ می‌دهد و مصرف‌کنندگان واقعی نمی‌توانند از بورس هم نیاز خود را تأمین کنند. باید مکانیسمی تعریف شود که فقط افرادی که دارای یک بنگاه تولیدی واقعی هستند و نیاز واقعی دارند باید مجوز ورود به بورس و خرید محصولات پتروشیمی را داشته باشند. وی با بیان اینکه اگر قرار است محصولات پتروشیمی در بورس ارائه نشود، باید عامل کنترل‌کننده دیگری مانند وزارت صنعت، معدن و تجارت وجود داشته باشد، افزود: در غیر این صورت پتروشیمی‌ها به مشتریان خاص خود تحویل داده و به مابقی توجه نمی‌کنند که این موضوع رانت برای پتروشیمی‌ها، واسطه‌ها و افرادی که دارای اختیارات هستند، ایجاد می‌کند.

نوبت اول

مناقصه شماره :۱۴ – ۹۷

فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای «انجام خدمات خودرویی شرکت اب منطقه ای البرز»

شرکت سهامی آب منطقه ای البرز در نظر دارد فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای "انجام خدمات خودرویی شرکت اب منطقه ای البرز"ا را ز طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان شامل دریافت و تحویل اسناد مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی،مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۹۷/۶/۲۲ میباشد.اطلاعات و اسناد مناقصه از طریق سامانه قابل دریافت می باشد.

مهلت دریافت اسناد: تا ساعت ۱۹مورخ ۹۷/۶/۲۶

مهلت ارسال پاسخ: تا ساعت ۱۹ مورخ ۹۷/۷/۵

زمان بازگشایی پاکات: ساعت ۱۰ صبح مورخ ۹۷/۷/۷

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گذار: کرج- مهرشهر-بلوار امام خمینی(ره)-روبروی مصلی-خیابان بوستان- شرکت سهامی آب منطقه ای البرز- کد پستی ۳۱۸۶۷۱۷۵۹۸-تلفن۳۲۰-۳۱۰- ۰۲۶۳۳۳۲۳۰۰

اطلاعات تماس سامانه جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:مرکز تماس ۲۷۳۱۳۱۳۱،۰۲۱ دفتر ثبت نام:۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ -۰۲۱

شرکت سهامی آب منطقه ای البرز